



CENTRAL ASIA AND THE CAUCASUS REVIEW

Articles

- ◆ **The United States and Russia: Cooperation or Strategic Confrontation** / Khalil Shir-Gholami
- ◆ **History of Oriental Studies in Russia** / Ali-Akbar Jokar
- ◆ **A Comparative Study of the American Foreign Policy in Afghanistan** / Haydar Ali Baluji
- ◆ **GUAM and the CIS** / Musa Al-Reza Vahidi
- ◆ **NATO's Mixed Signals in the Caucasus and Central Asia** / Robin Bhatti and Rachel Bronson
- ◆ **Vladimir Putin: China's Perspective** / Mohammad-Javad Omidvarnia
- ◆ **The Environmental Disaster in the Aral Sea** / Mohammad-Mehdi Shahriari

Views

- ◆ **Russia and Southern Eurasia**
- ◆ **The Littoral States of the Caspian Sea**
- ◆ **The Taliban: Myths and Realities**
- ◆ **Armenia's Foreign Policy**

Interviews

- ◆ **Taliban- Style Islam and World Politics**
(Interview with the Deputy of Scientific Council, Carnegie Moscow Center)
- ◆ **I Resist Naming A Successor** (Interview with the President of Bashqiristan)

Reports

- ◆ **Iranology in Tatarstan and "Greater Familiarity with Iran" in Qazan and Saratov**
- ◆ **Russia and Globalization**
- ◆ **Russia: Braindrain and National Security**
- ◆ **Viewpoint against the Gor-Chernomyrdin Secret Agreement: Readiness for Military-Technical Cooperation with the Islamic Republic of Iran**

Book Reviews

- ◆ **The Politics of Muslim Cultural Reform: Jadidism in Central Asia**
- ◆ **Russia and European Security Institutions: Entering the 21st Century**
- ◆ **Evgenii Primakov: Istoriiia Odnol Kar Ery**

No. 33, Spring 2001

آسیای مرکزی و قفقاز

مقاله‌ها

- ◆ ایالات متحده و روسیه؛ مشارکت یا تقابل استراتژیک؟ / خلیل شیرغلامی ◆ تاریخ شرق‌شناسی در روسیه / علی‌اکبر جوکار ◆ مطالعه تطبیقی سیاست خارجی آمریکا در قبال افغانستان / حیدرعلی بلوچی ◆ گوآم و CIS؛ چالش‌ها و فرصت‌های فراروی سیاست خارجی روسیه / موسی‌الرضا وحیدی ◆ نشانه‌های مبهم ناتو در قفقاز و آسیای مرکزی / رابین‌بنی - راشل برانسون، ترجمه شهرام فرسایي ◆ ولادیمیر پوتین؛ دیدگاه چین / محمدجواد امیدوارنیا ◆ فاجعه زیست‌محیطی دریاچه آرال / محمدمهدی شهربازی

دیدگاه‌ها

- ◆ روسیه و اوراسیای جنوبی
- ◆ جمهوری‌های حاشیه دریای خزر
- ◆ طالبان؛ روایت‌ها و حقیقت‌ها
- ◆ سیاست خارجی ارمنستان

مصاحبه‌ها

- ◆ اسلام‌طلبانی و سیاست‌های جهانی (مصاحبه با معاون رئیس شورای علمی مرکز کارنگی مسکو)
- ◆ حاضر نیستم از جانشین خود نام ببرم (مصاحبه با رئیس جمهور باشقیرستان)

گزارش‌ها

- ◆ «ایران‌شناسی در تاتارستان» و «آشنایی بیشتر با ایران» در قازان و ساراتوف
- ◆ روسیه و بدیده جهانی‌شدن
- ◆ روسیه؛ فرار مغزها و امنیت ملی
- ◆ نقطه‌نظریایی پیرامون خروج از موافقتنامه سرّی گور - چرنومردین و آمادگی برقراری مجدد همکاری‌های نظامی - فنی با جمهوری اسلامی ایران

نقد و بررسی کتاب

- ◆ ساختار سیاسی اصلاحات فرهنگی مسلمانان؛ تجددگرایی در آسیای مرکزی
- ◆ روسیه و نهادهای امنیتی اروپا؛ ورود به قرن بیست و یکم
- ◆ یوگنی پریماکوف؛ زندگی یک دولتمرد

جرارد لیباردین^۱

از زمان استقلال، اصول زیر بر سیاست خارجی ارمنستان حاکم بوده است:

۱. عادی‌سازی روابط با کشورهای همسایه؛

۲. توسعه همکاری‌های منطقه‌ای؛

۳. همگرایی با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی؛

۴. تلاش برای حل بحران ناگورنو قره‌باغ.

هفت عامل عمده بر توانایی دولت ارمنستان در رسیدن به این اهداف تأثیرگذار است: جغرافیا، تاریخ، ملاحظات امنیتی، بحران ناگورنو قره‌باغ، اقتصاد، سیاست‌های داخلی و دیاسپورا. برخی از این عوامل کاملاً دائمی هستند در حالی که عوامل دیگر قابل تغییر می‌باشند.

اولین عامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی، جغرافیای این کشور است. ارمنستان با دو کشور قدرتمند ایران و ترکیه و دو کشور هم‌سطح خود از نظر قدرت یعنی آذربایجان و گرجستان همسایه است. روسیه اگرچه با ارمنستان مرز مشترک ندارد، اما به علت تأثیر بر روند تحولات منطقه‌ای از دیدگاه سیاست خارجی ارمنستان یک کشور

۱. آقای جرارد لیباردین، مشاور سابق وزیر امور خارجه ارمنستان و محقق ارشد انستیتو شرق - غرب نیویورک است. متن فوق تلخیص سخنرانی وی در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی در مهرماه سال ۱۳۷۹ است.

همسایه محسوب می‌شود. موضوع مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد این واقعیت است که در این خصوص سیاست خارجی ارمنستان به موازات وقوع تغییرات در کشور همسایه مجبور به سازگار کردن خود با این تغییرات است.

دومین عامل تاریخ می‌باشد که پویا است، دائماً تکرار می‌شود و سیاستها و ایدئولوژی‌های سیاسی را ایجاد می‌نماید. اما برداشت از تاریخ تغییر می‌کند.

باتوجه به این نکته، ملت ارمنستان یک احساس مشترک دارند که زمانی یک ملت بزرگ بوده‌اند اما تحت تأثیر عوامل مختلف، بویژه در اثر کنش متقابل با قدرت‌های اشغالگر و سلطه‌جو به ملتی کوچک تبدیل شده‌اند. برداشت ارمنی‌ها از دیگر قدرت‌ها بر سیاست خارجی این کشور تأثیر مستقیم دارد. این موضوع کاملاً در روابط اخیر با کشورهای ترکیه و روسیه صادق است. در نتیجه کشتار دسته‌جمعی ارمنی‌ها در زمان امپراتوری عثمانی، حضور روسیه در ارمنستان به‌عنوان یک عامل مثبت نگریسته می‌شود که می‌تواند امنیت این کشور را تضمین کند. لذا ملت ارمنستان از جانب روسیه احساس امنیت می‌کند. جانشینی رسمی دولت ترکیه به جای امپراتوری عثمانی و عدم پذیرش مسئله قتل عام ارمنی‌ها بر احساس ملت ارمنستان در مقابل این کشور تأثیر منفی گذاشته است.

نگاه دولتهای اول و دوم ارمنستان بعد از استقلال نسبت به این موضوع متفاوت بوده است. لئون تر پتروسیان، اولین رئیس جمهور این کشور معتقد بود که موضوع قتل عام ارمنی‌ها نباید مبنای سیاست خارجی در مقابل ترکیه قرار گیرد. در حالی که رابرت کوچاریان رئیس جمهوری کنونی، موضوع قتل عام ارمنی‌ها را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داده است. در مقابل، ترکیه نیز عادی شدن روابطش را با ارمنستان به حل بحران قره‌باغ مرتبط ساخته است. در حقیقت ترکیه با این کار سیاست خارجی خود را گروهان حمایت از موضع آذربایجان در مذاکرات صلح قرار داده است.

ملاحظات امنیتی سومین عامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی این کشور است. اتحاد

جماهیر شوروی یک سیستم امنیتی مناسبی برای ارمنستان بود. اما با فروپاشی آن، خلاء امنیت در منطقه ایجاد شد که CIS یا هیچ سازمان دیگری نتوانست آن را پر نماید. ارمنستان در تدوین مفهوم امنیتی خود مجبور است وجود روابط یا فقدان روابط با ترکیه را مد نظر قرار دهد. چهارمین عامل که دولت ارمنستان آن را به ارث برده است؛ مشکل قره‌باغ است. مهمترین پیامد این بحران بر سیاست خارجی این کشور این است که قادر به عادی‌سازی روابط خود با جمهوری آذربایجان و همچنین ترکیه که از موضع این جمهوری حمایت می‌کند و گسترش روابط خود را با ایران پیش شرط حل بحران قره‌باغ قرار داده، نیست. پیامد دیگر ناشی از این بحران، تأثیر منفی بر توانایی این کشور در پیگیری یک سیاست خارجی فعال در منطقه و در جوامع بین‌المللی است.

پنجمین عامل اقتصاد است که در زمان شوروی سابق در مسکو طراحی می‌شد و نه در ایران. به همین دلیل تلاش دولت برای انتقال به اقتصاد بازار آزاد موجب مشکلات زیادی شده است. اقتصاد شوروی سابق به نحوی طراحی شده بود تا موجب وابستگی جمهوری‌ها به مرکز و به یکدیگر شود. اکنون این کشور از نظر اقتصادی در یک وضعیت متزلزل و خطرناک قرار دارد. این جمهوری برای دریافت کمک‌های خارجی و جذب سرمایه‌گذاری غرب و در مسائل امنیتی و انرژی به مسکو وابسته است.

درخصوص کمک‌های یکجانبه ایالات متحده، توجه به این نکته مهم است که برخلاف اعتقاد عمومی، این واشنگتن است که به‌طور مستقیم و بدون نظارت دولت ارمنستان مقدار و نحوه استفاده از این کمک‌ها را در این جمهوری تعیین می‌کند.

ششمین عامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی، سیاست‌های داخلی است. بازیگران سیاسی اعم از احزاب و شخصیت‌ها به نظر می‌رسند که طرفدار روسیه، آمریکا، ایران و یا کشورهای دیگر باشند. در این کشور سیاست‌های داخلی و خارجی بیش از هر چیزی به یکدیگر وابسته شده‌اند. دیاسپورا، آخرین عامل است. در حال حاضر دولت ارمنستان انتظارات عمده‌ای بخصوص در دو

زمینه مهم جذب سرمایه‌گذاری و اعمال فشارهای سیاسی از دیاسپورا دارد. توجه به این نکته ضروری است که دیاسپورا نیز محدودیت‌های خاص خود را بخصوص از لحاظ مادی دارد. از لحاظ اقتصادی، سرمایه ارمنی‌ها یک سرمایه فردی محسوب می‌شود. برخلاف انتظار بعضی گروهها، بخصوص بخش‌هایی از دولت، اعمال نفوذ سیاسی دیاسپورا در بحران قره‌باغ نتیجه مهمی در پی نداشته است. به همین دلیل دولت پطروسیان در مقابل لابی ارمنی بسیار محتاط بوده و انتظار زیادی از آن ندارد.

دو عامل مهم دیگر تأثیرگذار بر سیاست خارجی وجود دارد. اولین عامل رویه سازمانی است. مسئله مهم این است که این کشور براساس چه الگوها و روشهایی سیاست خارجی خود را تدوین می‌کند. در حال حاضر وزارت خارجه نقش همتایان خود را در دیگر کشورها ایفا نمی‌کند. به‌طور کلی سیاست خارجی در این کشور بیشتر امری فردی است تا سازمانی. دومین مسئله دلمشغولی ارمنستان به بحران قره‌باغ است. این دلمشغولی سد راه توانایی ایران در ارائه یک سیاست خارجی قوی شده است. اهدافی را که این کشور در سیاست خارجی خود می‌تواند مطرح و تعقیب نماید بسیار محدود است. زیرا بحران قره‌باغ با توجه به اهمیت اقتصادی و راهبردی، برداشت جوامع بین‌المللی را نسبت به این کشور و روابطش با دیگر کشورها تحت‌الشعاع خود قرار داده است.